دستگیری ۲۳ دلال ارزی در مدت ۴۸ ساعت

رئیس پلیس پایتخت در سی و پنجمین مرحله از طرح رعد از دستگیری ۶۷۰ نفر از سارقان و مالخران خبر داد و گفت: در طرح برخورد با دلالان هم ۲۳ متهم دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار جام جم، سردار حسین رحیمی بیان کرد: در این مرحله از طرح رعد با تلاش همکارانم در مجموعه پلیس پیشگیری پایتخت، سرکلانتری‌ها و کلانتری‌های سطح شهر تهران ۶۷۰ سارق و مالخر در قالب ۲۱ باند دستگیر شدند.

رحیمی با بیان این‌که با مزاحمان خیابانی و موتورسیکلت‌های سنگین که شب‌ها باعث ایجاد چالش و ناآرامی در بزرگراه‌ها می‌شوند برخورد جدی می‌شود، گفت: در همین رابطه شامگاه دوشنبه ۳۹ دستگاه موتورسیکلت سنگین و ۱۳ دستگاه خودرو که در خیابان‌های تهران دور دور می‌کردند، توقیف شدند.

وی با اشاره به اجرای طرح شناسایی و دستگیری دلالان ارزی، عنوان کرد: در مدت ۴۸ ساعت، ماموران پلیس امنیت اقتصادی ۲۳ نفر از دلالان ارزی را دستگیر و بالغ بر ۸۰ میلیارد ریال انواع ارز خارجی از آنها کشف کردند.

زنده شدن زن جوان در سردخانه

زن ۴۲ ساله‌ای که براثر سکته قلبی فوت شده بود در سردخانه «بهشت رضا»ی خرم آباد به زندگی برگشت.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۴ بیست و نهم اردیبهشت امسال زن ۴۲ ساله‌ای در کنار اعضای خانواده‌اش بود که حالش بد شد. خانواده‌اش با اورژانس تماس گرفتند و او را به بیمارستانی در شهر خرم آباد استان لرستان منتقل کردند. او تحت درمان قرار گرفت و معلوم شد سکته قلبی کرده است. پزشکان برای نجات او تلاش کردند که بی فایده بود و ساعاتی بعد فوت شد. مرگ این زن به خانواده‌اش اطلاع داده شد و پس از هماهنگی‌های لازم جسد به سردخانه بهشت رضای خرم آباد انتقال یافت. با گذشت ۱۸ ساعت از مرگ او داغ سنگینی بر دل خانواده‌اش نشسته بود. اعضای خانواده روز سه شنبه خودشان را آماده کردند و برای تحویل گرفتن جسد وی به بهشت رضا رفتند که در آنجا به آنها گفتند یکی از کارکنان این مرکز وقتی به سردخانه رفته و در حال تحویل جسدها به خانواده‌های افراد فوت شده بوده، متوجه شده کاوری که جسد زن ۴۲ ساله در آن قرار داشته، عرق کرده و همان جا آن را باز کرده و متوجه شده این زن زنده شده است. خانواده باورشان نمی شد که او زنده مانده و با تعجب همدیگر را نگاه می کردند. وقتی متوجه شدند ماجرا صحت دارد، بلافاصله او را برای ادامه درمان به بیمارستان شهید مدنی خرم آباد منتقل کردند.

همچنین دکتر آرش امین، متخصص قلب بیمارستان شهید مدنی خرم آباد درباره زنده شدن این زن ۴۲ ساله گفت: این بیمار براثر سکته قلبی فوت شده، اما در سردخانه زنده شده بود. او را از طریق اورژانس به بیمارستان آوردند و بعد از بررسی اولیه تحت درمان قرار گرفت. او زنده است، علائم حیاتی دارد، نفس او برگشته و تیم احیا موفق به نجاتش شدند، اما او تا هوشیاری کامل باید در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری باشد.

پس از بازگشت زن جوان به زندگی، در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد

فرار هالیوودی برای ازدواج با پسر افغان

دخترنوجوان که بعد از دوستی اینستاگرامی با پسر افغان به سبک فیلم‌های هالیوودی از خانه فرار کرده بود، بعد از بازگشت از افغانستان همراه پسر جوان دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، اوایل فروردین امسال مردی با حضور در دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که دخترش از خانه فرار کرده و ناپدید شده است.

با دستور قضایی ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران جست‌وجوها را برای یافتن این نوجوان آغاز کردند تا این‌که پی بردند دختر جوان نیمه شب با بستن چند ملحفه به هم از پنجره اتاقش فرار کرده است. ماموران در ادامه، تحقیقات خود را آغاز کرده و متوجه شدند او از هفت ماه پیش با پسری ۲۰ ساله که از اتباع افغان بوده دوستی اینستاگرامی آغاز کرده و با ابراز علاقه به یکدیگر در صدد ازدواج با هم بودند که با مخالفت خانواده دختر رو به رو شدند. پسر ۲۰ ساله تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و زمانی که برای دستگیری او به محل کارش رفتند، معلوم شد او آنجا را ترک کرده و همکارانش از او بی خبر بودند. با فرار مرموز پسر جوان و دختر نوجوان جست‌وجوهای پلیسی در این باره ادامه پیدا کرد تا این‌که ماموران به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد آنها به افغانستان گریخته اند. تلاش ها برای بازگرداندن دختر نوجوان و بازداشت پسر ۲۰ ساله ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش ماموران به سرنخ‌های جدیدی دست یافتند که نشان می داد آنها به ایران برگشته و در خانه یکی از اقوامشان ساکن شده‌اند. دختر نوجوان و پسر مورد علاقه‌اش پس از دستگیری برای تحقیقات به پلیس آگاهی تهران منتقل شدند. شهروز ۲۰ ساله به ماموران گفت: کارم گچکاری ساختمان است. من و دختر نوجوان ایرانی هفت ماه پیش در اینستاگرام با هم دوست شدیم و همین علاقه مان باعث شد تصمیم به ازدواج بگیریم. اما خانواده اش مخالف این ازدواج بودند و در آخر تصمیم گرفتیم او به سبک فیلم‌های هالیوودی از خانه شان فرار کند تا با هم پنهانی ازدواج کنیم. وی افزود: بعد از آن که دختر مورد علاقه‌ام فرار کرد و نزدم آمد به دفترخانه اتباع افغان در یکی از محله های ورامین رفتیم و او را به جای یک عروس افغان جا زدیم و توانستیم با هم ازدواج کنیم. مدتی در افغانستان بودیم اما بعد از بازگشت به ایران دستگیر شدیم. این در حالی بود که دختر نوجوان نیز می‌گفت علاقه زیادی به این پسر افغان دارد و حاضر به جدایی از او نیست. برای پسر افغان قرار قانونی صادر و عروس ۱۶ ساله تحویل خانواده‌اش شد.

دوقلوهای ۲/۵ ساله در استخر پرورش ماهی غرق شدند

بچه‌های ابدی

محل غرق شدن دوقلوها در استخر پرورش ماهی

لیلا حسین‌زاده

حوادث

نه مادر توان صحبت کردن دارد و نه پدر. صدای هر دو پر است از بغض و گریه برای آرمان و آرمین کوچولوشان که حالا فقط چند روز از مرگ غریبانه‌شان می‌گذرد. پدر و مادر آن‌قدر اشک ریخته‌اند که صدای‌شان خش‌دار شده و کلمات و جملات به‌سختی از گلوی‌شان خارج می‌شود. در کار رسانه و خبررسانی، احساسات هیچ جایی ندارد، اما درد مرگ این دو کودک برای ما هم آن‌قدر بزرگ است که خجالت می‌کشیم از مادر یا پدر داغدار بپرسیم چه شد دو نوگلت پرپر شدند و با دستان خود، اجسادشان را از محل حادثه بیرون کشیدی، اما مادر با خوشرویی و دلی داغدار قبول می‌کند دقایقی با جام جم در مورد این حادثه صحبت کند.

ظهر بود و وقت خواب. پدر خوابید و مادر هم پس از انجام کارهای روزانه‌اش، گوشه‌ای نشست. آرمین و آرمان ۲/۵ ساله هم مشغول بازیگوشی بودند و تصمیم نداشتند بخوابند. یك لحظه، یك خواب ناگهانی، چشم‌های مادر را در آغوش گرفت و او هم به خواب رفت. دوقلوها که مشغول بازی بودند، دست از بازی کشیدند و با باز کردن در از خانه بیرون رفتند. کلمات زینب طاهری، مادر داغدار دوقلوها به‌سختی قابل شنیدن است، اما با همان حال می‌گوید: «همیشه به‌خاطر بچه‌ها عادت داشتم در خانه را قفل کنم تا از خانه بیرون نروند، اما آن روز متاسفانه فراموش کرده بودم. ما در روستای ابوالخیر شهر ورزنه اصفهان زندگی می‌کنیم که نزدیك زمین‌های کشاورزی است. در این منطقه زمین‌های کشاورزی و همچنین استخرهای زیادی برای پرورش ماهی وجود دارد. خانه ما هم تقریبا ۳۰۰ متر با این زمین‌ها و استخرها فاصله دارد. به‌خاطر خطراتی که استخرها دارد، همیشه به بچه‌هایم می‌گفتم مامان جان، بیرون نروید. خطرناك است و هاپو دارد.

آنها حتی نمی‌دانستند نزدیکی خانه‌مان، استخر وجود دارد، ولی برای این‌که بترسند و بیرون نروند، اینها را به آنها می‌گفتم. روز حادثه، بعد از دقایقی وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم بچه‌ها نیستند.

با هول و هراس زیادی شوهرم را بیدار کردم تا دنبال بچه‌ها بگردیم. بعد از مدتی مادرم هم خبردار شد و همگی با هم همه‌جا مثل پارك را گشتیم تا آنها را پیدا کنیم. آن روز یکی از همسایه‌ها دیده بود که بچه‌ها از خانه بیرون آمده‌اند و فکر می‌کرد از همان جا به خانه برمی‌گردند، اما این‌طور نشده بود.»

جان بچه‌هایم مهم‌تر از خودم بود

همه با اضطراب زیادی دنبال بچه‌ها می‌گشتند و صدای‌شان می‌کردند، اما انگار آب شده و به زمین فرورفته بودند: «آرمین... پسرم.... آرمان... مامان کجایید؟» پدر هم دست کمی از مادر نداشت و هر جا را که می‌شد، می‌گشت تا رد و نشانی از آنها پیدا کند. هرجا را که فکر می‌کردند، گشتند، اما بچه‌ها نبودند. مادر ادامه می‌دهد: «یك لحظه به فکرم رسید سمت استخرها هم بروم و بگردم. به سمت یکی از استخرها رفتم و بچه‌هایم را دیدم که روی آب مانده بودند. من شنا بلد نیستم و نمی‌دانستم استخر چه عمقی دارد. آن لحظه به تنها چیزی که فکر می‌کردم، نجات جان دوقلوهایم بود و جان خودم هیچ اهمیتی برایم نداشت. به دل آب استخر زدم و بچه‌هایم را بیرون کشیدم.» پس از خارج شدن بچه‌ها از آب، با اورژانس تماس گرفتند و از آنها کمك خواستند.

تلاش ۱۳۵ دقیقه‌ای برای احیا

احمد محمدی، تکنسین اورژانس ۱۱۵ اصفهان، در مورد این حادثه می‌گوید: «بعد از اعلام حادثه غرق‌شدگی به ما و با توجه به حساسیت نوع حادثه، درخواست یك کد کمکی دیگر هم کردیم. پس از رسیدن به محل حادثه، بچه‌ها را معاینه کردیم و به سرعت عملیات احیای پیشرفته قلبی - ریوی را روی هردوی‌شان انجام دادیم و سپس به طرف درمانگاه شبانه‌روزی اژیه که تجهیزات بهتری دارد، حرکت کردیم. در دو ساعت و ۱۵ دقیقه‌ای که در جاده بودیم تا به درمانگاه برسیم، بدون وقفه عملیات ساکشن، سی‌پی‌آر و اکسیژن‌رسانی را روی بچه‌ها انجام می‌دادیم تا پس از رساندن آنها به درمانگاه شانس‌شان برای زنده ماندن افزایش پیدا کند. پس از رسیدن به درمانگاه، کادر درمان به‌سرعت وارد عمل شدند و تمام اقدامات درمانی لازم را روی آنها انجام دادند، اما با وجود تلاش کادر درمان و اورژانس، متاسفانه بچه‌ها فوت شدند.

مادر دوقلوها در پایان گفت: «این اولین باری نیست که چنین حادثه‌ای رخ می‌دهد و در گذشته نیز یك جوان و دو کودك هفت و ۱۱ ساله نیز در اثر غرق شدن در استخر جان خود را از دست دادند. استخری که بچه‌های من در آن غرق شدند، حفاظ و حصار نداشت، در صورتی که اگر صاحبان استخرها، اقدامات حفاظتی را انجام می‌دادند، این حادثه برای بچه‌های من و دیگر غرق‌شدگان اتفاق نمی‌افتاد. اگر همین روند ادامه داشته باشد و استخرداران به نکات ایمنی توجه نکنند، این حادثه دردناك دوباره تکرار خواهد شد و بچه‌های من اولین و آخرین قربانیان این بی‌احتیاطی‌ها نخواهند بود.»

تیزهوشی دختر ۷ ساله سارق را گرفتار کرد

فرمانده انتظامی مرودشت از شناسایی و دستگیری سارق لوازم داخل خودرو با همکاری دختر بچه هفت ساله خبر داد. به گزارش خبرنگار جام جم، سرهنگ اسماعیل زراعتیان گفت: هنگام وقوع یک فقره سرقت درون خودرو در یکی از خیابان های شهر مرودشت، دختر بچه هفت ساله‌ای که شاهد این سرقت بود، اقدام به فیلمبرداری از صحنه با گوشی تلفن همراه خود کرد و والدین وی پس از اطلاع از موضوع آن را در اختیار پلیس قرار دادند.

وی ادامه داد: ماموران دایره تجسس کلانتری ۱۱ انقلاب با بررسی فیلم، موفق به شناسایی سارق شدند و پس از هماهنگی با مراجع قضایی در یک عملیات غافلگیرانه سارق را دستگیر و برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی دادند.

تلنگر

حکم مرگ برای قاتل جوان موبایل‌فروش

متهم جوان که نوروز امسال جوان موبایل‌فروش اسلامشهری را در مغازه‌اش به قتل رسانده بود با رای دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، هشتم فروردین امسال دو جوان به قصد سرقت از یك موبایل‌فروشی وارد مغازه شده و یکی از آنها فروشنده به نام فرشاد را با چاقو زخمی کرد.

در حالی که متهمان ۵۳ گوشی تلفن همراه از مغازه سرقت کرده و قصد فرار داشتند، دو خیابان بالاتر از محل سرقت توسط ماموران گشت دستگیر شدند و مرد فروشنده که زخمی شده بود نیز جان باخت. با توجه به حساسیت موضوع، رسیدگی سریع به پرونده آغاز شد و با اعتراف دو متهم و معرفی همدست سوم آنها که مقابل مغازه کشیك می‌کشید، پرونده با صدور کیفرخواست از سوی دادسرای اسلامشهر برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع و متهمان در شعبه اول دادگاه پای میز محاکمه رفتند.

اولیای دم مقتول در دادگاه خواستار قصاص قاتل فرزندشان شدند. متهم ردیف اول به نام فردین در دفاع از خود بیان کرد: روز حادثه به قصد این‌که چند گوشی از مغازه بقاپیم به آنجا رفتیم اما فروشنده کرکره را پایین داد. برای همین ما هول شدیم و من با چاقو او را تهدید کردم و یکدفعه دیدم شوکر دارد، به حدی ترسیدم که نفهمیدم چه‌کار می‌کنم و به او ضربه‌ای زدم.»

دو متهم دیگر هم از خود دفاع کردند و قضات دادگاه بعد از مشورت متهم ردیف اول را به قصاص و دو متهم دیگر را به تحمل حبس محکوم کردند.

عامل جنایت دربند به قصاص محکوم شد

متهم جوان که طی درگیری در یکی از رستوران‌های دربند، پسر اهوازی را با ضربه چاقو به قتل رسانده بود، با رای دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، غروب ۲۳ مرداد ۹۸ صدای فریاد چند جوان از یکی از رستوران‌های دربند بالا رفت. چند جوان در رستوران درگیر شده و صاحب رستوران از شاگرد خود خواسته بود آنها را از رستوران بیرون کند. بیرون رستوران جوانی به نام کاوه با چاقو ضربه‌ای به سینه امید زد و همراه دوستانش از مهلکه گریختند. رسیدگی به پرونده در دستور کار قضایی قرار گرفت. با ردیابی‌های تخصصی ۱۶ روز بعد از حادثه متهم به نام کاوه شناسایی و دستگیر شد. کاوه ۱۹ ساله از همان ابتدا به درگیری منجر به قتل اعتراف کرد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

طرفین پرونده روز گذشته در دادگاه حاضر شدند. در ابتدای جلسه رسیدگی، مادر و پدر امید تقاضای قصاص قاتل فرزندشان را کردند. مادر امید رو به قاضی گفت: «ما اهل و ساکن اهواز هستیم. پسرم برای پیدا کردن کار به تهران آمده بود. دوست همراهش می‌گفت در یک رستوران حوالی میدان امام حسین کار پیدا کرده بودند. او قهرمان رزمی‌کار بود و ۱۶ مدال طلا و نقره و مقام کشوری داشت. نمی توانم از قصاص قاتل فرزندم گذشت کنم.»

سپس متهم برای دفاع از خود در جایگاه حاضر شد و گفت: «اتهامم را قبول دارم. شب حادثه همراه دو نفر از دوستانم و دو دختر به رستوران دربند رفته بودیم. درگیری ما با امید و دوستش از آنجا آغاز شد که من به او اعتراض کردم و گفتم چرا به ما زل زده‌اند. اما او ناراحت شد و گفت ما را نگاه نمی کرده است. بعد کار به فحاشی کشید و وقتی کارگر رستوران داشت ما را بیرون می کرد با امید دست به یقه شدیم و او با مشت ضربه‌ای به من زد که سرم گیج رفت. برای همین بیرون از رستوران وقتی دوباره درگیر شدیم با چاقو به او ضربه زدم.» قضات دادگاه بعد از دفاعیات متهم حکم به قصاص او دادند. متهم بعد از شنیدن رای با گریه از اولیای دم تقاضای بخشش کرد و گفت: «شش ساله بودم که پدرم من و برادر و مادرم را رها کرد و از آن وقت دیگر حتی یک عکس از او ندیده‌ام. مادرم ما را به سختی بزرگ کرده است. از اولیای دم می خواهم به مادرم رحم کنند.»